

۹۵
 در وقت بی بیم که بر زمین بدرایم حکایت نغمه در ویش فایده
 بود در ویش راهی فرزند پیاوند بود گفت اگر خدای تعالی مرا
 بفرستد تو این فایده که پوشیده دارم باقی هر چه بگفت
 این را در ویش کنم تا فایده پسر می آوردده سوره در ویشانی
 مشروط بنهاد پس از چند سال که از سویشام باز ایام محبت آن
 بر گزیدم و از بیگانه ها شکر پسر پدید آمدند بفرزندان
 در است سبب پسریدم کسی گفت پسرش چه خورده است و
 عید کرده و یکبار گفته در کشته بود سبب او سبب پای او
 گران بردست که من بیایم ز فاضل است
 زنان باره آرای مردانند اگر وقت ملاقات ما را یابند
 از آن بهتر نیز یک فرزند که فرزند آن ما هم از زانید
حکایت طفل بودم که بزنی را پسر پدیدم از بلوغ گفت
 در مطهر آمده است که سینه نشان دارد یکی پانزده سالگی دوم
 اطفال سیم بر آن موی ایامه اما در حقیقت یک نشان دارد

۱۰
 پانزده
 ۵۰

حکایت بذرهای

آنکه بذرهای حق تعالی پیش از آن باقی که در زمین خود و
 هر که این صورت و جویش زمین محققان باغ نشانی
 بصورت آدمی شد نظر آید که چهل و هشت قرار را بدو هم ماند
 اگر بی ساله را عقل و انبیه تحقیق نشانی بر آید خواهد
 جوایز دی و لطفند اوست همین نقش همبولای جنبند
 هر یک با یک صورتی توان کرد با یواها و از نیکو و زنگار
 جوانان را با نیکو فعل و اوست چه فرق از آدمی یا نفس دیوار
 بر سینه آوردن دنیا نیست یکی را که توانی دل بدست
حکایت سالی نزاری هیات پیاکان چهار فاضله بود او
 در آن سنو هم پیاده بود اتفاق در سروردی هم اتفاق بود
 فاضل و جوان بدرایم جاوشینی را دیدیم که هیئت پیا
 ذالعیب پیاده فاضل عیبه بشرط سیر بر بفرزین می شود
 یعنی بر از آن می شود ترک بود و پیاکان حاج با پسر بر تو
 هوشور تو

در وقت بی بیم که بر زمین بدرایم حکایت نغمه در ویش فایده
 بود در ویش راهی فرزند پیاوند بود گفت اگر خدای تعالی مرا
 بفرستد تو این فایده که پوشیده دارم باقی هر چه بگفت
 این را در ویش کنم تا فایده پسر می آوردده سوره در ویشانی
 مشروط بنهاد پس از چند سال که از سویشام باز ایام محبت آن
 بر گزیدم و از بیگانه ها شکر پسر پدید آمدند بفرزندان
 در است سبب پسریدم کسی گفت پسرش چه خورده است و
 عید کرده و یکبار گفته در کشته بود سبب او سبب پای او
 گران بردست که من بیایم ز فاضل است
 زنان باره آرای مردانند اگر وقت ملاقات ما را یابند
 از آن بهتر نیز یک فرزند که فرزند آن ما هم از زانید
حکایت طفل بودم که بزنی را پسر پدیدم از بلوغ گفت
 در مطهر آمده است که سینه نشان دارد یکی پانزده سالگی دوم
 اطفال سیم بر آن موی ایامه اما در حقیقت یک نشان دارد

حکایت بذرهای
 آنکه بذرهای حق تعالی پیش از آن باقی که در زمین خود و
 هر که این صورت و جویش زمین محققان باغ نشانی
 بصورت آدمی شد نظر آید که چهل و هشت قرار را بدو هم ماند
 اگر بی ساله را عقل و انبیه تحقیق نشانی بر آید خواهد
 جوایز دی و لطفند اوست همین نقش همبولای جنبند
 هر یک با یک صورتی توان کرد با یواها و از نیکو و زنگار
 جوانان را با نیکو فعل و اوست چه فرق از آدمی یا نفس دیوار
 بر سینه آوردن دنیا نیست یکی را که توانی دل بدست
حکایت سالی نزاری هیات پیاکان چهار فاضله بود او
 در آن سنو هم پیاده بود اتفاق در سروردی هم اتفاق بود
 فاضل و جوان بدرایم جاوشینی را دیدیم که هیئت پیا
 ذالعیب پیاده فاضل عیبه بشرط سیر بر بفرزین می شود
 یعنی بر از آن می شود ترک بود و پیاکان حاج با پسر بر تو
 هوشور تو